

## تصویر حدود هفتاد سال پیش افغانستان و شهر کابل

قسمت چهارم



نمای امروزی شهر کابل: مسجد جامع حاجی عبد الرحمن (پارک زرنگار) آیا محل دیگری در شهر کابل برای اعمار مسجد موجود نبود؟

تهیه و ترتیب: خلیل

شماره (81) سال 17، یک شنبه (26) عقرب 1324 ه.ش./شماره مسلسل (4276).

روز پنجشنبه گذشته (10) ذالحجه و روز عید قربان سال 1364 ه.ق. بوده، و بدین مناسبت (اصلاح) امروز پر از تشریفات و تبریکات است. در قسمت اخیر نیمهء صفحه این خبر نشر شده:

عودت بکابل- گردیز: کار نصب برقی آبی رادیو در گردیز خاتمه یافت. شاغلی معاون مطبوعات و مدیر عمومی تخنیکی رادیو بعد از انجام کارها ساعت 11 قبل از ظهر سه شنبه 21 عقرب از گردیز حرکت کردند و به ساعت سه و نیم بعد از ظهر بکابل وارد شدند. قرار معلوم قبل از حرکت هیئت مطبوعاتی از گردیز محفلی به مناسبت ختم کار نصب دستگاه برقی آبی رادیو در سالن ریاست تنظیمیه آنجا ترتیب یافته بود.

در صفحه 3، این خبر جالب درج شده:

تعیین حق الزحمه عملیات جراحی در معینه خانه های شخصی

شماره	اسمای تداوی که در معینه خانه های شخصی اجرا می شود	حق الزحمه
1	پانسمان ها	از 10 الی 20 افغانی
2	جراحات قابل دوخت	از 30 الی 50 افغانی
3	کشیدن اجسام اجنبی و یا فری کردن فلزات و غیره	از 20 الی 50 افغانی
4	باز کردن کاربنکل ها (باز کردن دنبل و غیره)	از 30 الی 50 افغانی
5	تداوی سوختگی (درجه اول و دوم)	هر دفعه قیمت پانسمان
6	ضربه ها و جراحات برقی و اکسریز	هر دفعه قیمت پانسمان
7	تداوی و ریکوز و پیچکاری آن (بدون دوا)	10 افغانی
8	پلاستر کردن (بدون قیمت پلاستر و غیره)	از 20 الی 40 افغانی
9	خون بینی پسالنگ خارجی : (بسته کردن خون بینی از بیرون)	15 افغانی
	حلقی: (بسته کردن خون بینی از داخل حلق)	25 افغانی
10	عملیات سرپاتون کیست	از 30 الی 60 افغانی
11	بجای کردن ضلع مفصل	از 40 الی 80 افغانی
12	کسرهای بسیط	40 الی 80
13	تراشهء اتومی	50
14	اسپراسیون امپاسا (امپاسما)	30 الی 40
15	شستن معده	30
16	کنیتر انداختن و شستن مثانه	30 الی 40
17	سنت کردن (ختنه کردن)	25
18	پانکسیون لامیر	20
اسمای تداوی و عملیات شعبهء نسائیه:		
1	کیورتاژ رحم	100 افغانی
2	یرتو لیبیت (اموال) در صورتیکه عملیات کشیدن اجرا شود (یک نوع عملیات زنانه است)	80
3	خراج شدید	30
4	اخراج مشیمهء باقی مانده	40 تا 100 افغانی
5	تولد طبیعی (در روز)	100 افغانی در شب 150 افغانی
6	تولد غیر طبیعی (در شب یا روز)	150 تا 200 افغانی
7	استعمال فوسپس (در شب یا روز)	150 تا 200 افغانی
8	توسیع عنق رحم	60
9	یبولیزی	60
10	لواز مهبل	30
11	پانسمان	20
12	تمپان مهبل	40
اسمای تداوی و عملیات شعبهء گوش ، گلون، و بینی:		
1	حزاج لوز	10 افغانی
2	استیصال لوزها	100
3	قطع نمودن قرین سفلی انف	60
4	برای مرتبهء اول نمودن قرنیات سفلی توسط الکتروود برقی	50
	برای مرتبهء دوم و سوم (داغ کردن داخل انف)	20 الی 30
5	استیصال یولپ انف	25
6	عملیهء پارسنیتز	20

7	استیصال یولپ گوش	20
8	عملیهء گوشت خلف انف	40
9	تدبیر نرف های انفی	20
10	تراشهء اتومی	50
11	پانسمان ها	10 تا 20
اسامی تداوی شعبهء چشم:		
1	معاینه در معاینه خانه های شخصی دوکتوران	5 افغانی
2	در خانه	15
3	پانسمان معاینه خانه	10
4	پانسمان خانه	20
5	عینک دادن (دادن نمرهء عینک)	15
6	عملیات منضمهء اجغان	100
7	عملیات (منضمهء عملیاتیکه در چشم می شود)	100
8	عملیات کیسهء دمعیهء	100
9	عملیات کترکت	200
10	عملیات رانراقه (آب سیاه چشم)	150
11	باقی عملیات کرهء عین	50

در صفحهء 2 همین شماره مطالب ذیل به نشر رسیده اند:

خارجی سیاست: کانگرهء اتازونی

صحی برخه: تربیهء صحی

اقتصادیات: صنایع ماشینی در افغانستان- شاغلی محمد ابراهیم خان عفیفی

فرانسه چگونه به مقاومت شروع کرد؟ قسمت (32)

در صفحه 3:

مطالعات و افکار: روی زمین

اجتماعیات: جوانان چگونه بتوانند به آرزوی خویش نائل شوند؟

تحولی که بم آتومیک در حرب وارد می کند. از مطبوعات ترکی

شمارهء (87) سال (17) سه شنبه 28 عقرب 1324 ش.

در صفحهء 4 این شماره، تحت عنوان :

ده سال قبل: روز نامهء اصلاح 28 عقرب 1314 ه.ش.

داخلی:

خان آباد: نرخنامهء ارزاق شهر خان آباد از قرار فی سیر قرار ذیل است:

آرد گندم 80 پول، آرد جواری 55 و نیم پول،

برنج باریک 1 افغانی، برنج لک یک افغانی و شصت پول،

روغن زرد 16 افغانی، روغن دنبه 12 افغانی،

گندم 60 پول، جواری 36 پول

ماش 84 پول، چوب 50 پول، نمک 40 پول، پیاز 40 پول، گوشت گوسفند 4 افغانی

گوشت گاو 2 افغانی، نان پخته (پنج خورد) 10 پول، دنبه آب نا کرده 9 افغانی

-----

شماره 88 (سال 17)، چهارشنبه (29) عقرب 1324 هـ.ش.

صفحه اول، خبردوم، قمست راست صفحه:

خطر کالرا رفع و قرانطین آن برداشته شد

کابل: چندی قبل در یکی از شماره های گذشته روزنامه اصلاح از شیوع مرض کالرا در (دیره) اسمعیل خان و وزیرستان جنوبی و خود شهر پشاور ذکری به میان آورده و از تجاوز وزارت صحیه در آن اشاره رفته بود. در این اواخر قراریکه از طرف مقامات ذی علاقه نیز به تصدیق پیوسته مرض کالرا از نقاط فوق الذکر که با سرحدات مشرقی و جنوبی ما تماس دارد، بکلی رفع شده است. از این روز وزارت صحیه به اطلاع عامه میرساند قیوداتیکه در باره مسافرین وضع شده بود، تا حین عزیمت بخاک هند و یا در حال ورود بخاک افغانی خود را واکسین ضد کالرا تزریق نمایند، از بین برداشته شد.

(نوت: در این زمان که هنوز «پاکستان» تولد نه شده بود، دولت آن وقت از زبان رسمی اش می گوید، که " با سرحدات مشرقی و جنوبی ما تماس دارد"، یعنی " مفهوم سیاسی "پختونستان" هنوز هم موجود نبود. ولی امروز آن را دو باره چاغ نموده و ماهی میگیرند).

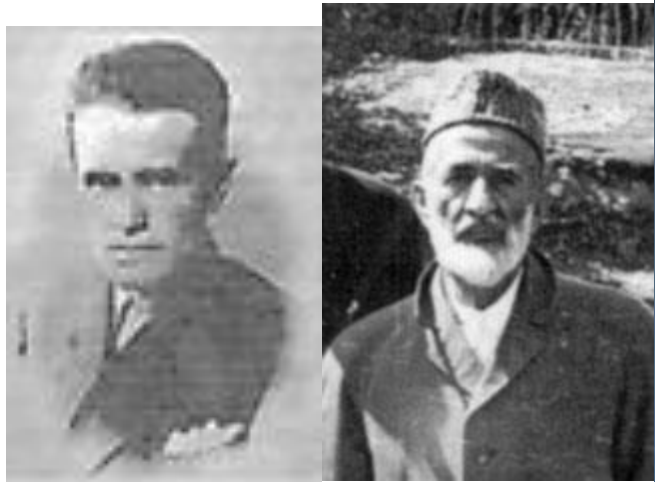
در صفحه 4 همین شماره (88)، تحت عنوان ده سال قبل، چنین آمده است:

روزنامه اصلاح - 29 عقرب سال 1314 هـ.ش.

داخلی: خان آباد: (خان آباد هنوز مرکز ولایت بود):

از چند سال بدینطرف جنبش محسوسی در مورد ساختمانی و عمرانی در ولایت قطغن و بدخشان پدید آمد. والاشان جلالتمآب شیر محمد خان وکیل نائب الحکومه قطغن و بدخشان، که از جمله رجال کاردان مملکت ما هستند، به تاسی از نظریات مصلحانیه حکومت ترقی خواه ما توجه وسیعی زیادی در تهیه وسایل تنبیه و انبساط دامنه این جنبش عمرانی میذول داشته اند. چنانچه، در زمره تعمیرات و آبادی های که در حصص مختلفه این ولایت صورت گرفته، ساختمان شهر جدید حضرت امام می باشد، که این کار مهم از پیش برده شده است.

به مناسبت افتتاح این شهر جدید جشنی در آن جا انعقاد یافت که در آن وکیل نائب الحکومه، قوماندان عسکری، مستوفی ولایت قطغن و بدخشان، جمعی از مامورین ملکی و نظامی و عده از اعززه محترمین اهالی تالقان و رستاق و حاکم کلان بدخشان شرکت جستند. مراسم افتتاح شهر با نطق مفصل و ج. شیر محمد خان صورت گرفت.



مرحوم شاه عبد الله بدخشی

مرحوم سید محمد دهقان



مرحوم شیرمحمد خان ناشر

### خاطره:

خدا بیامرزد کلان ها و معمرین قصه میگردند که مسیر سرک از محلهء "تکیه" تا شهرک "مشهد"، که حالا شهرک "جدید مشهد" بدو طرف آن اعمار شده، نیز از سوی مرحوم شیرمحمد خان (شیرخان ناشر) به معیت زنده یاد سید محمد دهقان رجل سیاسی معروف ملی، و زنده یاد شاه عبد الله خان بدخشی مدیر قلم مخصوص ولایت قطن تثبیت شده بود. قرار معلوم هر سه نفر منطقه را خوب تحت بررسی قرار داده، و از منطقهء "دهن و غردره" که درست مقابل "تکیه" محل مسکونی مرحوم دهقان قرار دارد، نیز دیدن کردند. عاقبت بدین نتیجه رسیدند که همین مسیر فعلی را انتخاب نمایند. در حالیکه سرک مشهور به "سرک برگد محمد علم خان" از قسمت های "چنارگنجشکان" تا منطقهء معروف به "کچی تکیه"، بعد از عبور از دریا به همان خط مستقیم به درهء "وغر دره" امتداد یافته و به طرف تشکان، درایم، ارگو(پرغو) و فیض اباد میرفت، برای مسافرت با پای پیاده، ذریعهء اسب و یا مرکب تا هنوز هم کوتاه ترین مسیر محسوب می شود. یکی از همان چهاونی های که احتمالاً در زمان امیر آهنین ساخته شده، و ملکیت مدیر عطا محمد خان می باشد، هنوز درمقابل "تکیه" و در جوار سرک "برگد محمد علم خان" موجود است، و فکر می شود که یگانه چهاونی فعال از این دست می باشد.

چون در مسیر سرک مستقیم از "تکیه" به سوی شرق به سوی "وغر دره"، در قسمت دریا کدام استنادی قابل اعتماد موجود نبوده، و نیز هردوی سیل رو های "مادابه" و "وغردره" در همین محل و تقریباً در یک نقطه با هم تلاقی میگردند، و در فصل بهار خیلی فعال اند؛ و نیز در صورت تمدید سرک بصور مستقیم به سوی شرق یک کوتلچئه خیلی پر خطر در مسیر سرک ایجاد می شد، که برای عراده جات عبور از آن پر خطر بوده؛ لذا، خیلی بجای و معقول تصمیم میگیرند که با تغییر نود درجهء سرک به سوی جنوب، به شهرک مشهد را در همین محل فعلی شهرک کهنهء "مشهد" انتخاب نمایند. سرک از آنجا در همین مسیر سرک و پل فعلی شهرک مشهد بطرف شرق تا منطقهء معروف به "سرچوک" (حالا مسجد جامع) تمدید و با یک زاویهء نود درجهء دیگر بطرف فرای "بلوچها" تمدید می شود، که از "سرچوک" تا "بلوچها" سرک مستقیم است. معمای موقعیت "شهرک مشهد و پل" موجودیت یک قشر زخیم گانلومریت در قسمت شرقی تهداب پل فعلی است، که اتکای قابل اعتماد بوده و برای اعمار پل و حفاظت آن از خطر آب خیزی محسوب می شود. چیزی که در پهلوی سایر عوامل، در "تکیه" ممکن نبوده است.



نمایی از گردشی تکیه ( شهرک مشهد- ولسوالی کشم ولایت بدخشان) که در آن مداخله بیرحمانهء زمین بخوبی هویدا است

از نو جوانی بیاد دارم که هر وقت "پل مشهد" خراب می شد، شخصی به نام ( استا چارو) را می آوردند، و او پل را با استفاده از چوب و سنگ و با بافت نمودن ساقه های ارغوان ( شولش) به قسم «گابین» در دو تهداب آن اعمار میکرد. فکر میکنم که موسم آب خیزی سال 1967 ترسانی، و مرحوم میوند وال صدراعظم بودند. دولت این بار با مصرف کردن پول زیاد یک پل نیمه پخته (Two Bay) با اعمار یک پایه در وسط دریا اعمار کرد. پل زیبایی بود. در جناح شرقی آن یک لوحهء زیبایی نصب و در آن کلیمهء (الله اکبر) نوشتند. والی بدخشان ( آن وقت حاکم اعلی می گفتند) آمد و پل را افتتاح کرد. شب والی در کلوپ مشهد واقع باغ ذخیره در غرب دریا مهمان بود. از قضا همان شب آب خیزی پل را ( با تخریب نمودن پایه وسطی) کج و غیر قابل استفاده ساخت. فردا صبح که مردم از خواب بیدار شدند، پل به یک طرف کج و عبور و مرور از آن نا ممکن بود. والی با مشکل بکدام طریقی از دریا عبور و به فیض اباد رفت. پل به همان ترتیب کج و در بین مردم به " پل الله اکبر" معروف شد. مسیر سرک تخار- فیض اباد قطع شد. یک تعداد مردم و مسافری بسیار به مشکل با اسب و یا توسط آب بازان از دریا عبور داده می شدند.

مرحوم میوند وال امر نمود که یک پل عسکری ( تمام فلزی دارای قابلیت باز و بسته شدن) از فرخار به کشم انتقال و بطور موقت روی دریای کشم نصب شد. بعداً در زمستان همان سال کار اعمار پل فعلی تحت نظر انجنیران پولندی روی دست گرفته شد، که عمده آن قوای کار بود. پل فعلی که یک کمان کانکریتی بسیار زیباست، از همان وقت تا کنون پا برجاست. تهداب جناح شرقی آن به سبب موجودیت همان کانگلومریت مستحکم است. ولی تهداب جناح غربی آن که محاط به زمین های زراعتی است، معروض با خطر آبخیزی بوده و تا کنون استحکام شاید و باید نه شده است. قراردادی مواد ارتزاقی پل فعلی مرحوم الحاج محمد محسن و الحاج محمود خان بودند، که تمام گاو های لاغر و مریض منطقه را جمع اوری و به خورد عمده قوای کار دادند. خدا شان ببخشد.

یک نظر انتقادی به شیوه شهر سازی در افغانستان:

وقتی در سفر به سوی شمال شرق به پل خمی برسی، بعد از آن متوجه می شوی که اکثریت مطلق مناطق مسکونی در زمین های زراعتی بنا شده اند. شهر پل خمی در توسعه به سوی شمال دارد زمین های زراعتی بعد از بند دوم را می بلعد. شهر های سه گانهء بغلان همه به روی زمین های زراعتی بنا شده اند. شهر های قندز، خان آباد، تالقان، کشم و فیض آباد همه بر روی زمین های زراعتی قرار گرفته اند.

آقای اروین گروتس باخ در کتاب "جغرافیای شهری در افغانستان" سال ها قبل در این زمینه نوشت:

" رشد و توسعه و پهنه‌ها نا موزون شهر ها دو مشکل اساسی ایجاد کرده است. اولاً هزینه‌های تأسیسات زیر بنایی شهر، خیابان کشی، تهیه و وسایط نقلیه شهری، برق و تأمین آب آشامیدنی را بالا می برد؛ ثانیاً کار روی زمین های پر ارزش زراعی اطراف شهر را به تعطیلی می کشاند. مورد دوم تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد جامعه می گذارد، که بحث و بررسی آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

تقریباً اغلب شهرستانهای متوسط تا بزرگ افغانستان (هرات، جلال آباد، غزنی، میمنه، خان آباد، آقچه، تالیقان) در میان زمینهای آبی کشاورزی و یا در کنار آن (قندهار، مزار شریف، کندوز) قرار دارند. در مورد اول می توان گفت در هر جهت که شهر توسعه یابد به زمینهای زراعی لطمه وارد می کند، و در مورد دوم تنها موقعی که محدوده بخش جدید شهر از حد اراضی بایر تجاوز کند! مورد دوم امری غیر ضروری است و به زمینهایی زیان میرساند که آمادگی هرگونه بهره برداری زراعی را داراست. توسعه و استفاده از اراضی شهری در قندهار در جهت شمال شهر که زمینهای بایر دشت قرار دارد، دیده می شود. همچنین زمینهای کشاورزی اراضی جنوب شرق و غربی را هم در بر میگیرد (د. و بیه 1975، تصویر 2، صفحات 138 و 139). توسعه اراضی شهری در مزار شریف زمینهای آبی را شامل می شود و طبق پروژه های ساختمانی 1970 دامنه توسعه شهر در سمت شمال و شرق است، در صورتی که اراضی صنعتی و توسعه آن در دشت در جهت جنوب قرار دارد. با اجرای پروژه های یاد شده بیش از 2000 هکتار از زمینهای آبی که به کار زراعت و باغداری می آید از بهره کشاورزی می افتد! (آ. گروتس باخ 1975/ب، ص 422).

...در همین مورد می توان ادعا کرد که قریب تا 5% از کل مساحت افغانستان که زراعت آبی در آن به عمل می آمد و محصول آن از بهترین محصولات کشاورزی بود، از بین رفت. دولت افغانستان از چندین دهه پیش با تحمل مخارج گزاف به فکر آن افتاده است که با بهره برداری و ایجاد زمینهای آبی، کشور خود را خود کفا کند، و در صورت امکان، حجم صادرات کشاورزی خود را بالا برد. بدین ترتیب، و به منظور تعادل در اوضاع اقتصادی و بهره برداری همگون از اراضی نزدیک عمران شهری و زمینهای زراعت آبی می بایستی تدابیری اندیشید. (اروین گروتس باخ، جغرافیای شهری در افغانستان، ترجمه سید محسن محسنیان، ناشر: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، سال نشر 1368، صص 237-238).

حال آن که این کتاب در سالهای 1970 تهیه شده که در افغانستان صلح حاکم بود. حال اگر سالهای جنگ و انقلاب را در مد نظر قرار بدهیم، شاید وضعیت به شکل اسفباری رسیده باشد، که رسیده. اگر مورد ساحات زراعتی شهر کابل و سایر شهر های افغانستان حرف بزنیم، مثنوی هفت من کاغذ بکار است. می خواهم با استفاده از فرصت یک پیشنهاد خدمت حکومت وحدت ملی ارایه بدارم:

پیشنهاد می شود که جلالتماب احمدزی رئیس جمهوریک فرمان راجع به منع کلی اعمارشهرها وشهرک ها روی زمین های زراعتی درتمام افغانستان صادر و مقامات مربوط، من جمله وزارت های محترم شهر سازی، و زراعت، ولایات، شهرداری ها را موعظف نمایند که عملاً و بطور قطع از بی بهره ساختن زمین های زراعتی جداً جلوگیری نموده و جلو تبه کاری های مافیای زمین را بگیرند. فکر میکنم " در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست".

در صفحه 4:

دنیا در 24 ساعت گذشته، راجع به اوضاع سیاسی در فرانسه و یک تعداد اخبار دیگر داخلی نشر شده است، نشان میدهد که دنیا در آن وقت در تلاطم بعد از جنگ بوده است. از جمله در تحت همین تیتیر (ده سال قبل: خارجی: چنین آمده است:

شانگهای: در اینجا اظهار رای می شود قبل از آن که شمال چین اتحاد جدید ملی خود را احساس نماید، جاپان خواهش دارد که ضربتی متوجه زمامداران حکومت نانکن بسازد. در خصوص این اتحاد ملی بین ولایت شمال چین و کنتن (کانتون)

موافقت حاصل شده است. قرار معلوم کانگرس کومنتانگ در ساختن پروژهء تعاون نانکن و کنیتن پیشرفت کلی حاصل نموده است، و گمان می شود که حکوم نانکن ذریعهء قوهء نظامی مقابله نماید.

نوت: در ده سال قبل از آن روز، یعنی سالهای 1935 اوج استعمار جاپان بر چین بود. در شماره های قبلی از پیشرفت قوای کمونیستی و جنگ های اخباری درج شده بود، که از آنها صرف نظر نمودم. حال که حکومت چین در حال پیشرفت سریع اقتصادی و نظامی است، خواب از چشم جاپانی ها پریده است. اگر خدای نا خواسته حادثه ای رخ دهد، جاپان در خط اول مخاطره خواهد بود، و چینی ها آن خاطرهء استعمار را فراموش نه کرده اند. شاید چین به زودی از نظر اقتصادی بر امریکا سبقت کرده و اقتصاد اول جهان شود.



نمایی امروزی شهر کابل: بدون شرح و قابل توجه شهرداری محترم کابل در روشنی صحبت های روز جمعه مورخ 25 میزان جناب رئیس جمهور احمد زی

(باقی دارد)